خارج از مرز

پس از نبرد خونین مدافعان ایرانی با نیروهای پرشمار عراقی در ۲۴ مهر، در رسانه‌های ایران، خرمشهر به «خونین‌شهر» معروف شد و این نام تا مدت‌ها پس از آزادی شهر بر سر زبان‌ها بود. جالب این‌که تعدادی از مطبوعات خارجی نیز از نام «خونین‌شهر» در گزارش‌های خود و حتی نقشه‌ها استفاده می‌کردند. روزنامه‌ی Star Tribune در روز ۵ خرداد ۱۳۶۱ نوشت عراق اعتراف کرده که «کنترل شهر بندری ایران، خونین‌شهر» را از دست داده است. چند روز بعد نیز، روزنامه‌ی The Sun در تیترش نوشت که «ایرانی‌ها پس از سقوط خونین‌شهر به جنگیدن ادامه می‌دهند.»

> از خانواده‌ی شش نفره‌ی سلطانی‌فر، پدر در قبرستان مشغول **دفن جنازه‌ها** بود و مادر و دختر در بیمارستان به **مجروحان** می‌رسیدند. پسر کوچك هفت‌ساله‌ی آن‌ها، **از خانه‌ها پنبه می‌آورد** و دو پسر بزرگ هم **می‌جنگیدند.**

۲۵ و ۲۶ شهریور ۵۹

صدام در روز ۲۵ شهریور ۵۹ در جلسه‌ی کاخ ریاست‌جمهوری رجزخوانی کرد و ۲۶ شهریور قرارداد الجزایر را پاره کرد و تصمیمش برای جنگ سراسری با ایران را علنی کرد.

۳۱ شهریور ۵۹

پس از حمله‌ی هوایی به فرودگاه‌ها و پایگاه‌های هوایی ایران، نیروی زمینی ارتش صدام راهی شهرهای ایران شد و خرمشهر از اولین هدف‌های ارتش مهاجم بود. همزمان با بمباران فرودگاه‌ها شهر خرمشهر هم زیر آتش توپخانه قرار گرفت.

۱ تا ۷ مهر ۵۹

نیروهای عراقی می‌خواستند خرمشهر و آبادان را محاصره کنند و بعد آن‌ها را تسلیم کنند، از همین رو خودشان را به جاده‌ی اهواز-خرمشهر رساندند و پس از آن جاده‌ی اهواز و آبادان و خرمشهر را محاصره کردند اما شهر تسلیم نشد.

۱ تا ۳۱ شهریور ۵۹

درگیری‌ها و زدوخوردهای مرزی در شهریور زیاد بود و تعدادی از نیروهای نظامی شهر پیش از شروع تهاجم سراسری عراق در منطقه‌ی مرزی شلمچه حضور پیدا کردند. از ۲۱ شهریور درگیری‌ها در مرز خرمشهر و منطقه‌ی شلمچه تبدیل به جنگی محدود شد؛ جنگی که «از پاسگاه خین تا شلمچه، تمام دهستان نهر یوسف و نوار جنوبی دهستان خرمان را در بر می‌گرفت. ولی بیشترین تلفات و خسارات مربوط به منطقه‌ی خین بود. طوری که از ۱۰ شهید و ۲۸ مجروح این تجاوز، ۹ شهید و ۲۵ مجروح، نتیجه‌ی حمله به منطقه‌ی خین بود.»

۳۱ شهریور ۵۹

شلمچه دشت مرزی بین خرمشهر و عراق بود. ارتش عراق در جبهه‌ی جنوبی خوزستان از شلمچه وارد خاک ایران شد. نیروهایش مأموریت داشتند به سرعت خرمشهر را دور بزنند و شهرهای آبادان و خرمشهر را با هم بگیرند و بر اروند مسلط شوند.

۱ تا ۷ مهر ۵۹

نیروهای سپاه، تکاورهای نیروی دریایی و یک گردان از لشکر ۹۲ زرهی که در پادگان دژ مستقر بودند مدافعانی بودند که کار را برای عراقی‌های مهاجم سخت کردند. بخشی از مردم شهر گروه‌گروه به سمت عراقی‌ها رفتند، بعضی اسلحه داشتند، بعضی چماق و بعضی دست خالی بودند.

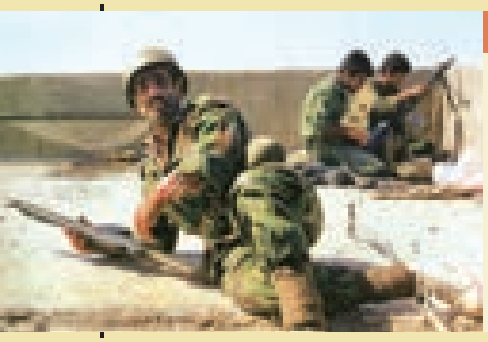

۱ تا ۴ مهر ۵۹

نیروهای ژاندارمری و گروه‌های مردمی در دسته‌های پنج، شش نفری با چنگ و دندان از دژهای مرزی دفاع می‌کردند اما دژها سقوط کرد. چهار روز طول کشید تا ارتش عراق بیابان‌های مرزی منتهی به خرمشهر را پشت‌سر بگذارد.